

آمیزه‌ای از تنوع و بداعت

علی شکوری

استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران



○ سیاست اجتماعی

○ محمدتقی جغتایی و فریده همتی (گردآورندگان و مترجمان)

○ دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

○ ۱۳۸۰، ۵۰۴ صفحه، ۱۵۰۰ نسخه، ۱۸۰۰ تومان

می‌کند. با این حال، اموری چون استخدام، امور کیفری، خدمات قانونی و بحرانهای اجتماعی در حوزه مطالعات آکادمیکی رفاه قرار می‌گیرند.

بخش دوم، ابتدا به سیاستهای رفاهی قبل از دولت رفاهی اشاره گذرا دارد، سپس ویژگیهای سیاست اجتماعی را در چارچوب تئوری اجتماعی تشریح می‌کند و طبقه‌بندی سودمندی از دیدگاههای نظری را در زمینه سیاست اجتماعی با تاکید بر دو انتهای پیوستار عمده یعنی راست و چپ به همراه مؤلفه‌های عمده‌ای که در این نوع‌بندی از سوی دیدگاهها مطرح شده، ارائه می‌دهد.

بخش سوم، نظریه عدالت اجتماعی را مختصراً تشریح می‌کند. نظریه‌های «قراردادی»، «شک‌گرایی» به همراه الگوهای روابط انسانی و ارتباطات اجتماعی از قبیل الگوی مشارکت جامعه‌ای، الگوی مشارکت ابزاری و الگوی شهروندی محور اساسی این بخش را تشکیل می‌دهد. از نکات قابل توجه دیگر این بخش طرح تناقضات و تعارضاتی است که معمولاً الگوهای مذکور با آن مواجه‌اند که به نظر می‌رسد به صورت ناتمام ارائه شده است.

بخش چهارم به یکی از مباحث بنیادی در سیاست اجتماعی یعنی شایسته‌سالاری اختصاص یافته است. این بخش ضمن تشریح شرایط شایسته‌سالاری، امکان تحقق کامل آن را در جوامع خصوصاً آزادیخواه با اقتصاد بازار به صورت انتقادی بررسی می‌کند و با تاکید بر نظریات هایک (Hyke) و یونگ (Young) تناقضاتی را که در جامعه شایسته‌سالار مطرح می‌شود و موانعی را که بر سر راه نشر و گسترش لیاقت‌سالاری وجود دارد مورد بحث قرار می‌دهد.

بخش پنجم موضوع مکمل بخش سوم و چهارم، یعنی نظریه برابری فرصتها، را مطرح می‌کند که برای حل مشکل دیرینه و پایدار نابرابریهای موجود در توزیع امکانات اصلاحاتی را پیشنهاد می‌کند که بر توانایی بازسازی امکانات استوار است. توجه اصلی در این بخش، طرح شروط ضروری در مداخلات قانونی برای برابر کردن انتظارات و بازیابی امکانات اولیه است که سعی دارد هماهنگی بیشتری را بین علایق فردی و شرایط اجتماعی در عصری که تفاوت‌های کیفی

هدف اصلی کتاب ارائه پیش زمینه‌ای از سیاستهای اجتماعی، طرح نظریات معاصر و معرفی مباحث نظری و ایدئولوژیهای است که اساس سیاست اجتماعی کنونی را تشکیل می‌دهد.

در جهانی متغیر که همزمان با توسعه علوم و فنون در زمینه‌های مختلف، جوامع شاهد افزایش فقر و محرومیت‌اند، سوالات مختلفی پیش کشیده می‌شود. نویسندگان (گردآورندگان) کتاب سعی دارند مباحث مختلف روشنفکرانه را ارائه دهند و رویکردهای مختلف را در این زمینه برجسته سازند. در عین حال برخی از مفاهیم نظری، تجزیه و تحلیل مقوله رفاه اجتماعی به عنوان هدف سیاست اجتماعی، راهبردهای مبتنی بر روشهای علمی در ارتباط با سیاست اجتماعی عصر جدید و نحوه اجرای نظریه‌های جدید از موضوعاتی است که چارچوب اصلی کتاب را تشکیل می‌دهد.

به زعم گردآورندگان و مترجمان کتاب، به دلیل اینکه «دهه گذشته، دوره تغییرات عظیم در حوزه علوم انسانی و اجتماعی بود، قطعیهایی گذشته، ایدئولوژیها و الگوهای آزمایش شده تحت فشار نظریه‌ها و رویکردهایی قرار گرفتند که پیش واژه «پست»، «بعد» و... بر مدرنیسم، دیدگاههای جدیدی در خصوص تئوری اجتماعی مطرح کردند» لذا، یکی از دو فصل حجیم کتاب به دیدگاههای پست مدرنیسم در سیاست اجتماعی اختصاص یافته است.

بنابراین، مطالب کتاب در دو فصل بزرگ تنظیم شده که هر فصل شامل بخشهای خیلی متنوع به همراه زیربخشهای مرتبط است. فصل اول با عنوان «سیاست اجتماعی در جهان» از نه بخش تشکیل شده است.

بخش نخست، به مفهوم سیاست اجتماعی و قلمرو مطالعه آن که به بررسی و مطالعه خدمات اجتماعی و رفاه دولتی اشاره دارد پرداخته است. براساس این بخش، خدمات و اقدامات رفاهی با هدف بهینه کردن زندگی انسانها به مقولاتی چون امنیت، عدالت اجتماعی، مسکن، بهداشت، اشتغال، آموزش و... ارتباط پیدا

اهمیت بسیار پیدا می‌کند، ایجاد نماید.

بخش ششم به سیاست اجتماعی در ارتباط با روش تعیین و تعریف نیازهای مراقبت اجتماعی با تاکید بر الگوی مراقبت جامعه‌نگر اختصاص دارد. هدف مراقبت جامعه‌نگر توانمندسازی افراد برای ادارهٔ یک زندگی عادی اجتماعی است و به تبع این امر، نیازها باید تا حد زیادی ضرورت‌های مهم زندگی را در بر بگیرد. در بخش هفتم زمینه‌های بین‌المللی سیاست اجتماعی در کشورهای غربی و نقش بازیگران بین‌المللی در سیاست اجتماعی کشورهای غربی تشریح شده است. بخش قابل توجهی از بحث بر ظهور سیاست اجتماعی در اتحادیه اروپا و حوزه‌های مسئله آفرین در مطالعه سیاست اجتماعی در سطح جهانی، منطقه‌ای یا بین کشوری اختصاص داده شده است.

در بخش هشتم از خصوصی‌سازی و سیاست اجتماعی در انگلستان بحث شده است. خصوصی‌سازی در این کشور خصوصاً از سال ۱۹۹۷ به اجرا در آمده و بخش‌های قابل توجهی از خدمات اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده است. حتی امروزه دولت کارگری انگلیس در تلاش است که مسئولیت‌های دولت در حوزه‌های آموزش، بهداشت و خدمات و تامین اجتماعی را به بخش خصوصی محول کند. استدلال آنها این است که انتقال مسئولیت‌ها، منافی برای متقاضیان رفاه اجتماعی دارد که در تعریف مجدد اهداف رفاه و نزدیک شدن روابط بین ارائه‌کنندگان خدمات رفاهی و متقاضیان آنها از قبیل مشتری‌مداری و استقلال آن در مقابل انحصارگرایی دولتی، مقررات به جای برنامه‌ریزی، برابری فرصتها به جای برابری نتایج انعکاس پیدا می‌کند.

بخش نهم، نابرابری‌های مبتنی بر جنس، خصوصاً موقعیت زنان را در مجموعه سیاست‌های اجتماعی در رابطه با مؤلفه‌هایی چون آموزش، بهداشت، اشتغال و... مورد بحث قرار می‌دهد. در ابتدا از دلایل تاریخی و فرهنگی که منجر به تبعیض علیه زنان شده بحث شده است. سپس مقوله تواناسازی زنان در رابطه با ملزومات توسعه و اقدامات عملی در این رابطه ارائه شده است.

همانطور که اشاره شد فصل دوم کتاب به دیدگاه‌های پست‌مدرن و سیاست اجتماعی اختصاص پیدا می‌کند که مشتمل بر یازده بخش است.

بخش اول به مطالعه سیاست اجتماعی بعد از مدرنیسم پرداخته است. این بخش به صورت گذرا، تاریخچه‌ای از تحولی پارادایمی را در علوم انسانی و اجتماعی با تاکید بر پست‌مدرنیسم و سیاست‌های اجتماعی ارائه می‌دهد و تاکید اساسی بر نقش پست‌مدرن در بازسازی کمک‌های سنتی و نقش این کمک‌ها در بهینه‌سازی اجتماعی است.

در بخش دوم، ابتدا رویکردهایی چون راست‌گرایی جدید، لیبرالیسم، محافظه‌کاری جدید و رویکردهای ضدنژادپرستی به عنوان پیش‌زمینه‌ای برای ورود به بحث پست مدرنیسم ارائه شده‌اند، سپس اصول، مفاهیم دیدگاه پست مدرن در مقایسه با مدرنیسم مرور شده است.

بخش سوم بیشتر ادامه بحث‌های مطرح در بخش قبلی را دنبال می‌کند و سعی می‌کند رابطه پست‌مدرنیسم و سیاست‌های اجتماعی - فرهنگی را تشریح کند. به زعم نویسندگان کتاب، گسترش بی‌قاعدهٔ نهادهای اقتصاد بازار و تردید بنیادی دربارهٔ چپ و بی‌اعتباری نظریه‌ها و خط‌مشی‌های سوسیالیست، و ناتوانی این دیدگاه‌ها در حل مسائل اجتماعی باعث شد که هر دو ایده‌های جهان‌گرایی مدرنیسم (جامعه اشتراکی سوسیالیست‌ها و شهروندی کردن دنیای غرب) در عمل فرو بریزد و در نتیجه ذهنیت‌ها برای پذیرش رویکردهای نوین

خصوصاً پست مدرنیسم آماده شود. موضوع مهمی که در این فرایند مطرح می‌شود این است که جامعه چگونه به رفاه دست یابد و سیاست‌های اجتماعی چگونه پی‌ریزی شود. پست مدرنیسم سعی دارد سیاست‌های اجتماعی را با تاکید بر تفاوت‌ها، الگوهای خردنگر، هویت بخشی به جماعات خاص بر مبنای ویژگی‌هایی چون جنس، طبقه، فرهنگ و... طرح‌ریزی کند، نکته اساسی در ارائه راه‌حلها توسل به آرمان‌گرایی است که پست مدرنیسم به دور از نواقص و معضلات مدرنیسم در عصر خود به تصویر می‌کشد.

در بخش چهارم، موضوعاتی چون تأثیر پست‌مدرنیسم بر بازسازی و تجدید سازمان؛ اخلاقیات مدرنیسم در زمینه‌هایی مانند استعمار و نابرابری، تبعیض و تفاوتها؛ بازسازی اخلاقی و معنوی و ایجاد تعهدات اخلاقی خصوصاً در رابطه با پذیرش تفاوتها و تمایزات دیگران به عنوان گامی در سازماندهی مجدد سیاست‌های بهینه رفاه اجتماعی بررسی شده است.

بخش پنجم سیاست اجتماعی مدرنیسم و پست‌مدرنیسم را در رابطه با مسائل سازمانی مورد بحث قرار داده است. در این بخش، ابتدا ویژگی‌های سازمانی مدرنیسم در رابطه با تخصص‌گرایی، دیوانسالاری، عملکرد نظارتی و کنترل سازمان‌های رفاهی که زمینه‌ساز معضل سلطه‌گری قدرت و همچنین عامل رشد کالاها بود نقد شده‌اند. سپس خصیصه سازمان‌های پست مدرن، که بر کاهش سلسله مراتب و افزایش انعطاف‌پذیری و ارتقاء الگوهای مشارکتی و جامعه محور در خدمات انسانی است و اخیراً در سازمان‌های دولتی و در سبک مدیریت برخی از کشورها مشاهده می‌شود، در رابطه با مؤسسات رفاهی نوینی تشریح می‌شود.

بخش ششم به دیدگاه انجمن‌گرایی در رفاه اجتماعی پرداخته است. در این دیدگاه، دو مکانیزم «ترک صحنه» و «ابراز کردن» به عنوان مکانیزم‌هایی تلقی می‌شوند که زمینه را برای توانمندسازی افراد و ایجاد «دموکراسی انجمنی» فراهم

بخش چهارم به یکی از مباحث بنیادی

در سیاست اجتماعی یعنی شایسته‌سالاری اختصاص یافته است

این بخش ضمن تشریح شرایط شایسته سالاری،

امکان تحقق کامل آن را در جوامع خصوصاً آزادخواه

با اقتصاد بازار به صورت انتقادی

بررسی می‌کند

می‌کنند. بنابر دیدگاه مولفان کتاب، دموکراسی انجمن چارچوب مؤسسه‌ای کارآمد را برای خدمات اجتماعی و رفاهی فراهم می‌کند که خود تحول اساسی محسوب می‌شود، بطوری که دولت اختیارات خود را به نظام داوطلب خودگردان و مشارکتی تحویل می‌دهد که مناسب چارچوب موسسه‌ای برای اجرای اصول «ترک صحنه و ابراز کردن» است.

بخش هفتم بهره‌گیری از تکنولوژی اطلاعاتی و ارتباطی را در عرضه خدمات رفاهی به منظور دستیابی به الگوهای انعطاف‌پذیر و غیر متمرکز در ساختارهای سازمانی و همچنین مقوله ظهور رفاه مستقیم و خودگردان را با استفاده از فناوریهای مذکور به عنوان نوآوری اجتماعی مورد بحث قرار می‌دهد. به زعم نویسندگان کتاب اصول اولیه رفاه مستقیم، با خصایصی چون خصلت توانمندکنندگی کالاها و ابزارهای ارتباطی، مسئولیت‌پذیری دریافت‌کننده خدمات در پرداخت تمام هزینه‌ها، بهره‌گیری از سیستم اطلاعات هوشمند، توانمندی دریافت‌کننده خدمات در اعتراض به نیروهای تخصصی مشخص می‌شود.

بخش هشتم به فرآیندهای جدید فردگرایانه در سیاستهای اجتماعی عصر پست‌مدرن، براساس دیدگاههای برخی صاحب‌نظران، اختصاص دارد. براساس دیدگاه نویسندگان کتاب «دگرگونیهای رفاهی بعد از ۱۹۷۰، بخش مهمی از فرآیندهایی را شکل دادند که در خلق بازتاب دهنده‌های فوری [انتخاب‌های فردی] سهم داشتند». این دگرگونی‌ها در حوزه سیاستهای بهداشتی، آموزشی، مسکن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

بخش نهم رابطه پست‌مدرنیسم را با سیاست اجتماعی در کنار پسا‌ساختارگرایی و نتایج ضمنی این رویکردها بر سیاست اجتماعی خصوصاً در زمینه‌هایی چون طرد دوگانگی‌ها؛ تخریب ساخت بندی سوژه‌های خاصی سیاست اجتماعی؛ نفی بنیاد گرایی، ضرورت گرایی و یکسان‌نمایی و... بررسی می‌کند و دلایل و عوامل مؤثر در مورد کارایی رویکردهای مذکور در حوزه سیاست اجتماعی را که عمدتاً بر کثرت گرایی و گزینه گرایی است، بصورت نظری و موجز بیان دارد.

بخش دهم رابطه پست مدرنیسم و مخاطبان خاص سیاست اجتماعی را مطرح می‌کند. استدلال می‌شود که رفاه پست‌مدرن از طریق جنبش‌های جدید رشد کرده و توسط مخاطبان اصلی رفاه اجتماعی (افراد مبتلا به ناتوانی‌های جسمانی و روانی، سالمندان و...) شکل گرفته است، لذا این حرکات‌ها به نوبه خود نظریه‌ها، معرفت، راهبردها و روشهای سازمانی خاص خود را توسعه دادند. البته مدرنیسم نسبت به این گروه‌های بی تفاوت نبوده ولی از گنجانیدن تمام واقعیت‌ها در مباحث خود ناتوان بوده است.

این ناتوانی به حاشیه‌ای شدن گروه‌ها یا افرادی از جامعه انجامیده است که به جنبش‌های جدید با تاکید ویژه بر گروه‌ها و افراد خاص در سیاست اجتماعی به لحاظ نظری و عملی کمک کرده است.

بخش یازدهم محور اصلی بحث خود را بر ارتباط بین پست مدرنیسم و مددکاری اجتماعی قرار می‌دهد و مشتمل بر دو قسمت است.

قسمت اول این بخش، استدلال می‌کند که مددکاری اجتماعی با توجه به ماهیت وظایف و کارکردهای حرفه‌ای خود، یکی از بازوهای اجرایی قوی است از این جهت از موضوعات مهم در مباحث پست مدرن است. با وجود این نسبت به شیوه‌های اجرایی مددکاری اجتماعی (اجرای ارزشیابی و رسیدن به اطمینان

کیفی به منظور تعیین استحقاق دریافت کنندگان و...) که مبتنی بر مدرنیسم بوده چندان برخورد انتقادی نمی‌شود. قسمت دوم خود پست مدرن با تکیه بر نظریات کلارک به عنوان اینکه مدرنیسم در اصل «با تغییر چهره، دیدگاههای خویش را در قالب پست مدرنیسم ارائه می‌دهد» مورد انتقاد قرار می‌گیرد و سپس چهار حوزه در ارتباط با رفاه بازسازی شده، مورد بازنگری قرار می‌گیرد: بازاری کردن خدمات، وضعیت‌های اقتصادی ثابت در رفاه، انتقال مستمر مسئولیتها از ارائه‌کنندگان رسمی به ارائه‌کنندگان غیر رسمی و فرآیند مدیریتی کردن به منظور بازسازی بخش دولتی.

ارزش کتاب بیش از محتوی و آرایش مطالب، عمدتاً به تنوع مطالب و موضوعات و طرح دیدگاههای جدیدی وابسته است که برای اولین بار در کشور در قالب یک کتاب مطرح می‌شود که می‌تواند به عنوان منبع سودمندی برای پژوهشگران و دانشجویان مسائل رفاهی و سیاست اجتماعی محسوب شود، با این حال نکات زیر قابل ذکر است:

عدم همسانی مشخصه‌های تالیفی کتاب در «روی جلد» و «صفحه دو»، خواننده را دچار سردرگمی می‌کند که آیا اثر تالیفی است یا گردآوری و ترجمه این موضوع در مقدمه کتاب نیز به وضوح توضیح داده نمی‌شود.

با توجه به متن و آرایش مطالب، به نظر می‌رسد کتاب گردآوری مقالات یا مطالبی است که به فارسی ترجمه شده و تحت عنوان سیاست اجتماعی چاپ شده است. اگر فرض را بر صحت این موضوع بگیریم، لازم می‌بود که در ابتدای هر بخش منبع مقاله ذکر می‌شد، در حالی که به استثنای یکی از بخش‌ها اشاره‌ای در سایر بخش‌ها به منبع دیده نمی‌شود.

اگر فرض شود که کتاب خصلت تالیفی دارد، از این منظر کاستی‌های جدی و مقدماتی در کتاب ملاحظه می‌شود، نداشتن مقدمه، جمع بندی و نتیجه‌گیری برای فصول، بخش‌ها و همچنین کل کتاب، خواننده را در ابهام و بالاتکلیفی از نظر جهت مطالب قرار می‌دهد. هرچند در مقدمه تهیه‌کنندگان کتاب فقدان یک فرهنگ لغت و اصطلاحات جدید را بجا یاد آور می‌شوند که باعث شده معادل‌های خارجی مناسبی انتخاب نگردد ولی آنچه بر این مشکل افزوده است عدم ارجاع معادل‌های خارجی اصطلاحات فنی، تخصصی و کلیدی در زیرنویس بوده است، به نظر نمی‌رسد اضافه کردن بخشی در انتهای کتاب تحت عنوان فرهنگ اصطلاحات به راحتی این نقیصه را جبران کند. شاید بزرگترین مشکلی که خوانندگان با کتاب مواجه می‌شوند به

ویراستاری و در واقع به بنگاه انتشاراتی مربوط می‌شود تا به مؤلفان (مترجمان و گردآورندگان) برای نمونه، مقدمه و فهرست مطالب کتاب صفحه گذاری نشده است. زیر عنوان فهرست مطالب فصل اول «سیاست اجتماعی در ایران ذکر شده در حالی که در فهرست بندی مربوط به فصل» «سیاست اجتماعی در جهان» ذکر شده که صحیح است. اغلاط و ویرایشی به وفور دیده می‌شود، ناهمسانی در ارجاع به منابع انگلیسی (در فصولی به انگلیسی و یا در فصولی به فارسی) از مواردی است که در اولین نگاهها در متن دیده می‌شود. از بنگاه‌های انتشاراتی خصوصاً انتشارات دانشگاهی انتظار بیشتری در رعایت این گونه موارد وجود دارد. البته موارد فوق، دیدگاه بررسی‌کننده کتاب است و به هیچ وجه از ارزش کتاب و زحمات مترجمان و گردآورندگان کتاب نمی‌کاهد.



ارزش کتاب بیش از محتوی و آرایش مطالب، عمدتاً به تنوع مطالب و موضوعات و طرح دیدگاههای جدیدی وابسته است که برای اولین بار در کشور در قالب یک کتاب مطرح می‌شود